



پاسپورت ساحه‌ای طالبان؛

گردآوری آمار دختران جوان و زنان بیوه مردم رانگران کرده است



طالبان به تازه‌گی روند ثبت مشخصات باشندگان محلات را در بزرگ‌شهرهای کشور آغاز کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان مجموعه این معلومات را «پاسپورت ساحه‌ای» شهروندان نام‌گذاری کرده و برای گردآوری اطلاعات مربوط به باشندگان محل، فورمه‌های ویژه‌ای را توزیع می‌کنند. یکی از مواردی که در این فورمه‌ها درج است، شمار زنان بیوه و دختران جوان در هر خانه است.

واکنش شهروندان به اظهارات ملا هبت‌الله؛

افغانستان قلمرو بی قانون است



فرجام تلخ فرار از طالبان؛

ماجرای غرق شدن یک نظامی پیشین با خانواده‌اش در آب‌های ایتالیا

نماینده مجلس ایران: طالبان با رفتارهای غیردیپلماتیک‌شان تعرضاتی را به مرز و مرزبانان ما روا داشته‌اند

۸ صبح، کابل: محمد سرگزی، نماینده مردم زابل در مجلس جمهوری اسلامی ایران، با بیان این‌که مجموعه طالبان در مرز سیستان در حال انجام «اقدامات سخیفی» هستند، گفته است که این گروه با رفتارهای دور از شأن و غیردیپلماتیک خود تعرضاتی را به مرز و مرزبانان ایرانی روا داشته‌اند. خبرگزاری ایلنا به نقل از محمد سرگزی گزارش داده که او در نشست علنی نوبت صبح روز پنج‌شنبه، ۱۱ حوت، از وزیر امور خارجه و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران درخواست رسیده‌گی به این مسایل را کرده است. این در حالی است که منابع روز دوشنبه، ۸ حوت، در صیحت با روزنامه ۸ صبح گفته بودند که طالبان یک مرزبان ایرانی را در مرز پل‌ابریشم نیمروز به دلیل آنچه بدرقتاری با یک راننده افغان عنوان شد، بازداشت و لت‌وکوب کردند. همزمان با این، طالبان روز چهارشنبه، ۱۰ حوت، پس از لت‌وکوب این مرزبان ایرانی با گل و شیرینی به عذرخواهی مرزبان ایرانی رفتند.



ملا هبت‌الله رژیم فعلی طالبان را معامله‌گر خواند



ملا هبت‌الله از نوع «حکومت طالبان» انتقاد کرده و افزوده است: «این حکومت نیست، معامله‌گری است.»

۸ صبح، کابل: ملا هبت‌الله، رهبر گروه طالبان، از نوعیت «حکومت» طالبان انتقاد کرده و آن را معامله‌گر خوانده است. ملا هبت‌الله در یک نوار صوتی که زمان ضبط آن مشخص نیست و روز پنج‌شنبه، ۱۱ حوت، در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، از نوع «حکومت طالبان» انتقاد کرده و افزوده است: «این حکومت نیست، معامله‌گری است.» به گفته او، این حکومت معامله‌گر به نفع مسلمانان نیست، بلکه به نفع شماری از افراد است و به گفته او معامله جریان دارد. وی خاطرنشان کرده که در داخل «حکومت» امنیت ضروری است. هبت‌الله خطاب به طالبان گفته است: «از خواهشات خود صرف نظر کنید و همه خواهشات خود را تابع شریعت کنید که برتری جویی منجر به ناامنی می‌شود.» رهبر طالبان همچنان از اعضای این گروه

خواسته است تا شریعت را تطبیق کنند. او افزوده است: «اگر در خانه تو شریعت نباشد چگونه ادعا می‌کنی که شریعت را در کشور تطبیق می‌کنی. اگر در اداره تو شریعت نباشد، در بدن تو شریعت نباشد، چطور مردم این ادعای شما را قبول کند که در زمین شریعت خدا و دین الله را اجرایی می‌کنید.» ملا هبت‌الله در قسمتی از سخنانش اضافه کرده که در حال حاضر سرپرستی ملت بر عهده آن‌هاست. مشخص نشده است که مخاطب سخنان رهبر طالبان چه کسانی بوده‌اند، اما در روزهای اخیر اختلافات میان سران این گروه بیش از پیش اوج گرفته است. گفتنی است که ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان روز پنج‌شنبه، ۱۱ حوت، با نشر خبرنامه‌ای از دیدار ملا هبت‌الله با ملا یعقوب مجاهد و سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزیران دفاع و امور داخله طالبان خبر داد.

درنگی بر رمان «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد»



تیراندازی در فروشگاه خانواده همسر مسی؛ تفنگ‌داران با نوشتن نامه‌ای مسی را تهدید کردند



یک زن در فاریاب خودکشی کرد

۸ صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب می‌گویند که یک زن در این ولایت خودش را حلق‌آویز کرده است. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که یک خانم ۳۴ ساله عصر روز پنج‌شنبه، ۱۱ حوت، در منطقه صحرایی قلعه، از مربوطات ولسوالی خواجه‌سبزویش فاریاب به زنده‌گی‌اش پایان داده است. انگیزه این خودکشی تا هنوز مشخص نشده است. طالبان نیز تاکنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. اخیراً رویدادهای خودکشی در کشور افزایش یافته است. روز دوشنبه هفته جاری، سه دختر جوان در ولایت‌های غور، بادغیس و کندز خودکشی کردند. فقر، مشکلات اقتصادی، خشونت‌های خانوادگی و ازدواج‌های اجباری دلیل این خودکشی‌ها عنوان شده است.





موافقتنامه دوحه؛

گفته‌ها و نگفته‌ها

در روزهای گذشته طالبان سالگرد امضای موافقتنامه‌شان با ایالات متحده آمریکا را تجلیل کردند. این اولین بار نیست که چنین معاهداتی در این کشور یا در باره این کشور به امضا می‌رسد. دست‌کم از سال ۱۸۰۹ که شاه شجاع با حکومت هند بریتانوی معاهده‌ای را امضا کرد، تا امروز ده‌ها معاهده، به‌شمول معاهده دیورند و گندمک، با محتویات گوناگون امضا شده است. براینکه این معاهدات اما چیزی نبوده است که به خوشبختی، پیش‌رفت و رفاه مردم افغانستان بینجامد و این کشور را اندکی از قعر تاریخ رهایی ببخشد، به گدایی‌گری پایان بدهد و وضعیتی عادی را به این جامعه ارمغان کند.

چرا این همه معاهده و موافقتنامه و پیمان به امضا می‌رسد، اما نه از فقر و جهل و بی‌سوادی مردم کاسته می‌شود و نه از بی‌ثباتی و عقب‌ماندگی و بی‌سرنوشتی کشور؟ بدون شک عوامل متعددی در پس این امر قرار دارد، اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها غیاب مردم از صحنه بوده است؛ زیرا نهادهایی وجود نداشته است که مشارکت مردم را در سرنوشت همگانی تسهیل و اراده آنان را تمثیل کند. حاکمانی که در این مدت روی کار آمده‌اند، دست‌کم از زمان شاه شجاع به این‌سو، همه به درجاتی وابسته‌گی به حمایت خارجی داشته‌اند، نه پشتوانه داخلی. گر در دوره‌هایی کوتاه این وابسته‌گی و آن حمایت کاهش یافته است، آن حاکمان رو به زوال نهاده‌اند. محتوای بسیاری از معاهدات گذشته دریافت کمک مالی از بیگانه‌گان در بدل تامین منافع آنان در منطقه و مشارکت نیابتی در رقابت قدرت‌های بزرگ است. از همین رو، در قرن نوزدهم سرنوشت افغانستان در توافق‌های لندن و سن‌پترزبورگ تعیین می‌شد، در قرن بیستم در جینوا و نیویورک، و در قرن بیست‌ویکم در بِن و دوحه.

شوم‌ترین معاهده برای ما موافقتنامه دوحه است؛ زیرا تأثیر مستقیم بر سرنوشت کنونی ما دارد. در اثر آن یک دولت فروپاشید، یک ملت بی‌سرنوشت شد و یک کشور به باتلاق تروریسم فروغلتید. در اثر این وضعیت صدها هزار نفر، به‌شمول هزاران عضو کدر علمی و تخصصی در عرصه‌های مختلف آواره گوشه و کنار جهان شدند. محرومیت میلیون‌ها دختر از حق ادامه تحصیل، محرومیت میلیون‌ها زن از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، فروخفتن شعله‌های کم‌جان دانش و پژوهش، به اضافه سرازیر شدن هزاران تروریست به افغانستان، بخشی از دستاوردهای این موافقتنامه بود و پیامدهای دیگرش همچنان در راه است. اگر چه همه بندهای آن موافقتنامه علنی نشد و مثل همیشه مردم از سرنوشتی که برای‌شان رقم زده شد، بی‌خبر ماندند؛ اما یک بخش از مفاد این موافقتنامه معطوف به فعالیت القاعده و گروه‌های تروریستی در افغانستان بود. امریکایی‌ها گفتند که طالبان تعهد کرده‌اند تا مانع فعالیت این گروه‌ها در مناطق تحت کنترل خود شوند. طالبان می‌گویند که تعهد کرده‌اند تا از حمله آنان بر آمریکا و منافعش جلوگیری کنند و به این تعهد خود وفادارند؛ اما حضور آنان در افغانستان و سایر فعالیت‌هایی که زینان را متوجه آمریکا نمی‌کند، شامل این موافقتنامه نیست. این که حقوق مردم افغانستان چه وضعیتی پیدا می‌کند، این که روابط طالبان با سایر گروه‌های تروریستی چه سبک و سیاقی به خود می‌گیرد و این که جایگاه افغانستان در منطقه و جهان به کجا خواهد رسید، بخشی از نگفته‌های فراوان این موافقتنامه بود. طالبان هنگامی حق دارند به توافقات خود با آمریکا افتخار کنند که از وابسته‌گی رهایی یابند، به عزت مردم افغانستان بیندیشند، به حقوق‌شان باور داشته باشند و حق تعیین سرنوشت را به آنان بازگردانند. تعهد به حفظ منافع دیگران و تکرار نسخه‌های مذهبی از سناریوی شاه شجاع مایه افتخار نیست.

رییس زراعت طالبان در پنجشیر به اتهام فساد مالی و اخلاقی بازداشت شده است



۸صبح، پنجشیر: منابع محلی می‌گویند که استخبارات طالبان عبدالمجیب مشفق، رییس زراعت، آبیاری و مالداری این گروه برای پنجشیر را بازداشت کرده است.

منابع روز جمعه، ۱۲ حوت، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که عبدالمجیب پنج روز پیش به اتهام فساد اخلاقی، فساد مالی و اداری و سوءاستفاده از صلاحیت‌های وظیفوی از مربوطات شهر کابل بازداشت شده است.

با این حال، گزارش‌های دیگری نیز وجود دارد

که وی به اتهام همکاری با داعش بازداشت شده و از نزدش مقداری مواد منفجره نیز به دست آمده است.

عبدالمجیب مشفق باشنده اصلی ولسوالی قره‌باغ کابل است و از یک سال به این‌سو به‌عنوان رییس زراعت، آبیاری و مالداری پنجشیر کار می‌کرد. طالبان تاکنون در این مورد به‌گونه رسمی چیزی نگفته‌اند.

پیش از این نیز طالبان چندین مسوول محلی‌شان را به اتهام‌های مختلف بازداشت و زندانی کرده‌اند.

طالبان از باشنده‌گان یک روستا در سمنگان خواستار ۷۰ میل سلاح شده‌اند



۸صبح، سمنگان: منابع معتبر محلی در ولایت سمنگان می‌گویند که طالبان از باشنده‌گان یک روستا در این ولایت ۷۰ میل سلاح خواسته‌اند.

منابع معتبر محلی در سمنگان روز جمعه، ۱۲ حوت، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان به باشنده‌گان روستای «کوته» ولسوالی دره‌صوف بالای این ولایت یک هفته مهلت داده‌اند تا ۷۰ میل سلاح گوناگون را تهیه کنند و به این گروه تحویل دهند.

مسوولان محلی طالبان در ولایت سمنگان تاکنون در این باره چیزی نگفته‌اند.

روستای کوته در ولسوالی دره‌صوف بالای ولایت سمنگان موقعیت دارد و زادگاه محمدطاهر زهیر، والی پیشین بامیان است. دو هفته پیش نیز نیروهای استخبارات طالبان با یورش به این روستا پنج تن از اقارب آقای زهیر را بازداشت کرده و شماری دیگر از هم‌روستایی‌های او را مورد آزاروآذیت قرار دادند.

یک منبع معتبر که خواست از او نام برده نشود، گفت که نیروهای طالبان حدود سه روز پیش با همکاری نفوذی‌های محلی‌شان به روستای کوته هجوم برده و به اهالی این روستا از جمله نظامیان پیشین و بزرگان محلی یک هفته وقت داده‌اند تا ۷۰ میل سلاح به این گروه تسلیم کنند.

طالبان چهار غیرنظامی را در پنجشیر بازداشت کردند

از روستای تنخوی ولسوالی دره و دو تن دیگر از روستای منجدار پشغور از مربوطات ولسوالی خنج بازداشت شده‌اند.

از افراد بازداشت‌شده در این دو ولسوالی به نام‌های لطف‌الرحمان، خوشحال، خالص و محب‌الله یاد شده است.

تا کنون دلیل بازداشت این غیرنظامیان مشخص نشده است.

طالبان در ولایت پنجشیر نیز در مورد بازداشت این غیرنظامیان چیزی نگفته‌اند.

اخیرا میزان بازداشت غیرنظامیان از سوی طالبان در ولایات کشور به‌ویژه پنجشیر افزایش یافته است. طالبان در پنجشیر هفته گذشته نیز حدود ۵۰ غیرنظامی را در این ولایت بازداشت کردند.



۸صبح، کابل: منابع محلی در ولایت پنجشیر می‌گویند که طالبان از روز گذشته به این‌سو دست‌کم چهار غیرنظامی را از بخش‌های مختلف این ولایت بازداشت کرده‌اند.

دو تن از این غیرنظامیان امروز (جمعه، ۱۲ حوت)،

گذرگاه بادینی از سوی نظامیان پاکستانی مسدود شد

۸صبح، زابل: منابع محلی در ولایت زابل می‌گویند که گذرگاه بادینی میان افغانستان و پاکستان از سوی مرزبانان پاکستانی مسدود شده است.

منابع محلی در ولایت زابل روز جمعه، ۱۲ حوت، از مسدود شدن این گذرگاه خبر داده‌اند. برپایه اطلاعات منابع، نظامیان پاکستانی در پی آن‌چه برخورد نادرست جنگ‌جویان گروه طالبان عنوان شده، گذرگاه بادینی را مسدود کرده‌اند.

گذرگاه بادینی یکی از مسیرهای رفت‌وآمد میان افغانستان و پاکستان است که اخیرا از سوی بزرگان قومی بازگشایی شد.

گفته می‌شود که این گذرگاه به دلیل رفت‌وآمد ساده‌تر به پاکستان، توجه بسیاری را در ماه‌های اخیر به خود جلب کرده است.

مقام‌های پاکستان و طالبان تاهنوز در مورد دلایل بسته شدن این گذرگاه چیزی نگفته‌اند. پیش از این نیز گذرگاه بادینی در پی آن‌چه بهره‌گیری‌های شخصی از وضع

مالیات گزاف بر کالاهای پاکستانی توسط جنگ‌جویان طالب خوانده شد، از سوی نظامیان این کشور مسدود شده بود.



مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران: زنان افغانستان اعلام همبسته‌گی کردند

۸صبح، کابل: شماری از فعالان زن افغانستان در تباری با فعالان سیاسی و اجتماعی در واکنش به ادامه یافتن مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران، با زنان این کشور اعلام همبسته‌گی کردند.

گروهی از فعالان سیاسی اجتماعی و حقوق زن افغانستان روز جمعه، ۱۲ حوت، با نشر اعلامیه‌ای از ادامه یافتن مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران، ابراز تأسف کرده‌اند.

در اعلامیه، وضعیت فعلی دانش‌آموزان دختر در ایران مشابه به وضعیت دانش‌آموزان افغانستان گفته شده است.

فعالان حقوق زن افغانستان گفته‌اند: «ما اکنون بیشتر از همیشه می‌دانیم که تروریسم چگونه عمل می‌کند و چگونه می‌خواهد جامعه را تحت تأثیر خود قرار بدهد. بنابراین نمی‌خواهیم که برابر جنایت‌های تنظیم‌شده برما، در قبال دختران و زنان ایران نیز ادامه یابد.»

در اعلامیه گفته شده که جمهوری اسلامی ایران مسوول و بانی جنایت‌هایی است که اکنون بر زنان و دختران در ایران و افغانستان جاری است.

دنباله‌دار شدن مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران واکنش‌های زیادی از جمله کشورهای غربی را نیز در پی داشته است. حسین امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران، اما واکنش این کشورها را به اشک تمساح تشبیه کرده است.



افغانستان قلمرو بی قانون است



امین کاوه

طالبان در یک سال و نه ماه گذشته افغانستان را بدون قانون اساسی و سایر قوانین وضعی نافذ نکرده اند. رهبران این گروه مبنای مدیریت کشور را فتوای «شرعی» می‌دانند و در مقابل همه ارزش‌ها و دستاوردهای بیست سال گذشته ایستاده‌اند. این گروه واقعیت‌های جامعه نوین افغانستان را نادیده گرفته و آن را پدیده‌های «کفری» می‌خوانند.

انتخابات، حق رای و مشارکت شهروندان در تصمیم‌های سیاسی باور ندارند. به گفته او، نظام دل‌خواه طالبان، محرومیت کامل شهروندان از حقوق اساسی‌شان است. از نظر این شهروند، طالبان به هیچ جریان سیاسی و مدنی حق اعتراض و مخالفت با این گروه را نمی‌دهند و هر کسی را که متفاوت‌تر از خود دریابند، سرکوب می‌کنند. او می‌افزاید: «متأسفانه طالبان مردم را به ربه تشبیه می‌کنند و خود را چوپان می‌دانند. در جهان مدرن شیوه‌ای را که طالبان پیش گرفته‌اند، شرم‌آور و توهین به تمام ارزش‌های انسانی است. حیران می‌مانم که جهان در یک گوشه‌ای از دنیا افراطیت را نکوهش می‌کند، اما با این گروه تعامل دارد و آنان را به قدرت رسانده است. ما متأسفانه برای سالیان زیادی چوب سوخت و مواد خام تروریسم هستیم.»

جمیل جعفری، شهروند دیگری است که تجربه سخت و طاقت‌فرسای زنده‌گی در زیر حاکمیت طالبان را دارد. او می‌گوید: «باید زن بود و در افغانستان زنده‌گی کرد و بعد قضاوت کرد که طالب و حاکمیت طالب یعنی چه. رنج و دردی را که در این مدت سپری کرده‌ام، جز این‌که حس کنم، قابل بیان نیست. آن‌چه از رنج زن و محرومیت زن افغانستان روایت می‌شود، گوشه‌ای از غم‌ها و مصیبت‌هایی است که زنان در زیر حاکمیت این گروه با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند.»

خانم جعفری علاوه می‌کند: «سخنرانی ملا هبت‌الله، این نماد زن‌ستیزی و آپارتاید جنسیتی علیه زنان را شنیدم. او مثل همیشه بر تطبیق شریعت مورد نظرش تأکید کرده. شریعتی که از نظر او، زن جز تسلیم‌پذیری برده‌گی به چیز دیگری نیندیشد. برای ما این سخنان و سایر رفتارهای طالبان چیز تازه و غریبه نیست. هر چه از دهن و مغز طالب بیرون بیاید، ضد زن و ضد حقوق بشر است. از همین خاطر راهی جز ایستاده‌گی جمعی و بیرون راندن این‌ها از وطن نمی‌بینم. نباید خود را فریب داد و به گپ‌های فریبنده جهان و دوستان این گروه، فریب خورد. طالب تغییرپذیر نیست و فعلاً دورانش است، هر چه دلش شد انجام می‌دهد و به هیچ کسی هم پاسخگو نیست.»

شکیلا از آموزگاران بازنشسته است. او که به اندازه موه‌های سفیدش تباشیر به دست گرفته و پای صنف ایستاده، می‌گوید: «ضرورت به شنیدن یا نشنیدن سخنان فلان کلان طالب نیست. طالب را ما از اول می‌شناختیم و حال هم می‌شناسیم. طالب که به حق اعتراض، به انتخابات، به مشارکت و آزادی و تحصیل باور داشته باشد، دیگر طالب نیست. وقتی این‌همه را از طالب انتظار دارید، سر خود باید شک کنید، نه سر طالب. هبت‌الله چیزی را می‌گوید که ملا عمر گفته بود و تغییر در گفتارشان نیامده است. ما همه را تجربه کرده‌ایم.»

همچنان شریف‌الله رحمتی (نام مستعار) از کارمندان دولت پیشین که اکنون نیز در یکی از اداره‌های تحت کنترل طالبان کار می‌کند، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «از مجبوری همین‌جا هستیم. یک عسکر

طالب از ما که یک عمر درس خوانده‌ایم، تجربه حاصل کرده‌ایم، اولویت دارد و به طرف ما به‌عنوان یک برده و مزدور دیده می‌شود. فکر می‌کنند ما را به غنیمت گرفته‌اند. وقتی گپ‌های این‌ها [طالبان] را در مورد شریعت می‌شنوم، دلم از شریعت سیاه می‌شود. اگر شریعت همین چیزی است که ملا هبت‌الله می‌گوید، مردم همه از آن رویگردان خواهند شد. فکر نمی‌کنم گپ‌های طالب‌ها مطابق شریعت باشد. اگر شریعت هم باشد، جهان تغییر کرده، باید واقعیت‌های جهان را هم در نظر گرفت.»

مریم فیروزی (نام مستعار) از دختران معترض است. او درباره اظهارات تازه ملا هبت‌الله می‌گوید: «طالبان قدرت را غصب کرده‌اند. زورگیری و غصب برای‌شان عادی است. حال هم بین خود به خاطر زورگیری و تصاحب قدرت اختلاف دارند. طالبان به انتقال قدرت از راه‌های مشروع نمی‌اندیشند. فکر می‌کنند نماینده تام‌الاختیار خدا هستند و مردم باید از آن‌ها اطاعت کنند. ملا هبت‌الله آخوندزاده، در یک سال و چند ماه گذشته به‌خوبی چهره اصلی طالبان را بر ملا می‌سازد. طالب را باید در سخنان او شناخت، نه در لفاظی‌های چهره‌های این گروه که در کنفرانس‌ها اشتراک می‌کنند.»

به گفته این دختر معترض، ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، چهره واقعی و نگاه کلی طالبان به حاکمیت و نوع مواجهه این گروه با شهروندان را مشخص می‌سازد. به گفته او، سخنان تازه او نیز نشان می‌دهد که طالبان هیچ حقی به مردم قایل نیستند.

شهروندان کشور در حالی از افغانستان به‌عنوان «قلمرو بی‌قانون» یاد می‌کنند که طالبان در بیش از یک‌ونیم سال گذشته، بیشتر از ۲۰ فرمان ضد زن صادر کرده‌اند. براساس دستورهای طالبان، دختران و زنان از حق آموزش، تحصیل، کار و سایر فعالیت‌های اجتماعی محروم شده‌اند. دستورهای صادرشده این گروه علیه زنان سبب شده که آنان از حضور در سیاست، اجتماع و کار محروم شوند و به‌شکل سیستماتیک مورد حذف قرار بگیرند.

با این حال، پیش از این اتحادیه اروپا نیز سیاست‌های طالبان در قبال زنان را «آپارتاید جنسیتی» خوانده است. جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی این اتحادیه، روز پنج‌شنبه، ۴ حوت، در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل گفت که طالبان «آپارتاید جنسیتی» را در افغانستان اجرا کرده‌اند و این اقدام برای اروپا قابل تحمل نیست.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، نیز در هفتادوپنجمین سالگرد تاسیس اعلامیه جهانی حقوق بشر، گفت که فرمان‌های پیهم رهبر طالبان راه تعامل با این گروه را بسته است. او افزود: «ما شاهد سرکوب شدید زنان و دختران در افغانستان هستیم.»

افزون بر وزیر خارجه آمریکا، مایکل مک‌کال، رییس کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان ایالات متحده آمریکا، نیز از سیاست و عمل‌کرد منفعل دولت بایدن در قبال طالبان انتقاد کرده است. رییس کمیته روابط خارجی مجلس نماینده‌گان ایالات متحده روز جمعه، ۱۲ حوت، خطاب به وزیر خارجه این کشور گفته است که دولت بایدن در برابر رفتار «غیرانسانی» و «وحشت‌ناک» طالبان علیه زنان و دختران این کشور و حذف آنان از سیاست و اجتماع، سکوت اختیار کرده است. با این حال دیده‌بان حقوق بشر نیز گفته است که طالبان در حال عادی‌سازی نقض سیستماتیک حقوق زنان هستند.

پیش از این روزنامه ۸صبح به اطلاعاتی دست یافته بود که نشان می‌داد جنگ‌جویان طالبان غیرنظامیان را بازداشت و شکنجه می‌کنند و حتا به قتل می‌رسانند. در تازه‌ترین مورد، این گروه روز جمعه، ۱۲ حوت، چهار غیرنظامی را در ولایت پنجشیر بازداشت و به جای نامعلومی منتقل کرده‌اند. شکنجه، بذرقتاری، سرکوب و منع فعالیت‌های سیاسی و چشم‌پوشی از حق اعتراض شهروندان از جمله مواردی‌اند که پیوسته گزارش می‌شود. با این حال، شهروندان کشور می‌گویند که طالبان هنوز «باده پیروزی» سر می‌کشند و از دیدن واقعیت‌های کنونی عاجزند. این سخنان در حالی بیان می‌شود که طالبان در سومین سالگرد توافق‌نامه صلح دوحه، با نشر اعلامیه‌های حضور ۲۰ ساله آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش در افغانستان را «اشغال» خواندند.

ملا عبدالغنی برادر، معاون اقتصادی رییس‌الوزرای طالبان، گفت: «سه سال قبل در همین روز آخرین میخ برتابوت سومین اشغالگر جهان در افغانستان کوبیده شد.»

طالبان با سقوط نظام جمهوری، همه قوانین و ساختارهای حقوقی کشور را لغو کرده‌اند. این گروه پس از برگشت به قدرت در اسد سال گذشته، مشارکت سیاسی، واقعیت‌های اجتماعی و اراده شهروندان در تعیین سرنوشت جمعی را نادیده گرفتند. افغانستان تنها کشوری است که قانون اساسی ندارد و نظام مدیریتی و اقتصادی آن بر مبنای فتوای مذهبی طالبان به پیش می‌رود. یک نوار صوتی منسوب به ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، این روزها در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود. رهبر طالبان در این نوار صوتی جنگ‌جویانش را سرپرستان «ملت و امت» خوانده است. آخوندزاده مخالفت‌های درون‌گروهی طالبان را «معامله‌گری برای کسب امتیاز» توصیف کرده و هشدار داده است که در صورت تداوم اختلاف‌ها، رژیم این گروه تاب نخواهد آورد. با این حال، شهروندان کشور طالبان را به انحصار قدرت، عدم رعایت قانون و محروم نگه داشتن شهروندان از مشارکت سیاسی، متهم می‌کنند. به گفته آنان، طالبان کشور را به میدان انتقام‌جویی‌ها و بازداشت‌های غیرقانونی مبدل کرده‌اند و این کشور در حال حاضر قلمرو بی‌قانونی است.

طالبان در یک سال و نه ماه گذشته افغانستان را بدون قانون اساسی و سایر قوانین وضعی نافذ نکرده‌اند. رهبران این گروه مبنای مدیریت کشور را فتوای «شرعی» می‌دانند و در مقابل همه ارزش‌ها و دستاوردهای بیست سال گذشته ایستاده‌اند. این گروه واقعیت‌های جامعه نوین افغانستان را نادیده گرفته و آن را پدیده‌های «کفری» می‌خوانند. طالبان شیوه‌ای از حکومت‌داری را به نمایش گذاشته‌اند که شهروندان هیچ نقشی در آن ندارند و رعیت‌های مجبور و مکلف به تطبیق اوامر این گروه می‌باشند.

در تازه‌ترین مورد، فایل صوتی منسوب به ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، منتشر شده که او طالبان را سرپرست «ملت و امت» توصیف کرده است. او همچنان در این نوار صوتی از شیوه حکومت‌داری طالبان انتقاد و اعضای این گروه را به «معامله‌گری» متهم کرده است. هنوز مشخص نیست که این نوار صوتی چه زمانی ثبت شده، اما به نظر می‌رسد که در جمعی از عالمان دین و مسوولان ارشد این گروه سخنرانی کرده است.

آخوندزاده در این نوار طالبان را به «خویش‌خوری» و در نظر نگرفتن مصلحت‌های عمومی متهم می‌کند. او خطاب به رهبران این گروه می‌گوید: «شریعت را در

در تازه‌ترین مورد، فایل صوتی منسوب به ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، منتشر شده که او طالبان را سرپرست «ملت و امت» توصیف کرده است. او همچنان در این نوار صوتی از شیوه حکومت‌داری طالبان انتقاد و اعضای این گروه را به «معامله‌گری» متهم کرده است. هنوز مشخص نیست که این نوار صوتی چه زمانی ثبت شده، اما به نظر می‌رسد که در جمعی از عالمان دین و مسوولان ارشد این گروه سخنرانی کرده است.



در تازه‌ترین مورد، فایل صوتی منسوب به ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، منتشر شده که او طالبان را سرپرست «ملت و امت» توصیف کرده است. او همچنان در این نوار صوتی از شیوه حکومت‌داری طالبان انتقاد و اعضای این گروه را به «معامله‌گری» متهم کرده است. هنوز مشخص نیست که این نوار صوتی چه زمانی ثبت شده، اما به نظر می‌رسد که در جمعی از عالمان دین و مسوولان ارشد این گروه سخنرانی کرده است.

چرا ایران سفارت افغانستان در تهران را به طالبان تحویل داد؟

دولت ایران داعش را به‌عنوان یک تهدید جدی برای امنیت و بی‌ثباتی کشورش تلقی می‌کند، طوری که تاکنون از زمان حاکمیت دور دوم طالبان در افغانستان دو حمله مرگبار در حرم امام رضا و زیارت شاه‌چراغ که ایران آن را به داعش نسبت می‌دهد، صورت گرفته است. در نتیجه این حملات ۱۷ تن کشته و ۴۱ تن دیگر زخمی شدند. البته در نتیجه دو حمله جداگانه دیگر داعش در سال ۲۰۱۷ بر ساختمان مجلس شورای اسلامی و قبر آیت‌الله خمینی در تهران، به تعداد ۱۷ تن کشته و ۵۲ تن دیگر زخمی شدند.



احمدذکی مبارز

تروریستان به دامن امریکا و یا کشورهایی که حافظ منافع امریکا در افغانستان هستند، بیفتند. ایران سعی می‌کند با استفاده از هر وسیله‌ای، جلو این اتفاق را بگیرد. تهران با ایجاد یک رابطه متحابه و دیپلماتیک با طالبان، فکر این را در سر می‌پروراند که شاید با این کارش مانع کشورهای غربی به‌ویژه امریکا در استفاده ابزاری از طالبان برای بی‌ثبات ساختن مرزهایش شود.

واگذاری سفارت افغانستان در تهران به طالبان دقیقاً زمانی صورت می‌گیرد که مذاکرات اخیر هیات پاکستانی (متشکل از وزیر دفاع و رییس استخبارات آن کشور) با مقام‌های طالبان منجر به شکست می‌شود و ضمناً سفارت عربستان سعودی بنا بر «دلایل امنیتی» که توسط آن کشور عنوان شده است، در کابل مسدود می‌گردد. یعنی ایران با تیره شدن روابط طالبان با کشورهای متحد امریکا، یک گام در روابطش با طالبان جلو تر می‌رود.

۶) حل معضل حق آب از رود هیرمند:
از آگست ۲۰۲۱ تا کنون طالبان به رغم وجود معاهده سال ۱۳۵۱ که بین افغانستان و ایران در خصوص حق آب رود هیرمند منعقد شده است، چندین بار جریان آب را به آن سوی سرحد عمداً مسدود کرده‌اند که بعداً با واکنش مقام‌های ایرانی در این خصوص مواجه و به عدم همکاری و عهدشکنی متهم شده‌اند. براساس معاهده ۱۳۵۱ که توأم با ضمانت اجرایی است، افغانستان باید سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب رود هیرمند را به ایران بدهد.

۷) دنباله‌روی از سیاست‌های متحدان استراتژیک:
روسیه و چین به‌عنوان متحدان استراتژیک ایران، در ابتدا عین کار را انجام دادند و سفارت‌خانه‌های افغانستان را به طالبان واگذار کردند. ایران هم با گرفتن الهام از متحدان استراتژیکش، سیاست آنان را در واگذاری سفارت‌خانه افغانستان به طالبان دنبال کرده و تعامل را نسبت به تقابل با طالبان در شرایط کنونی ترجیح داده است.

ادامه در صفحه ۷

برای جنگ علیه اسلام و نابودی آن است. البته دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نیز نسبت به امریکا متفاوت تر از دیدگاه شبکه تروریستی القاعده نیست. ایران هم امریکا را به‌عنوان «شیطان بزرگ» و «دشمن اسلام» می‌پندارد.

شبکه القاعده از گذشته‌های دور هم با طالبان و هم در این اواخر با جمهوری اسلامی ایران رابطه نزدیک و تنگاتنگی داشته است. کشته شدن ایمن الظواهری، رهبر و مغز متفکر شبکه القاعده توسط حمله پهپادی امریکا در قلب کابل و ظهور سیف العدل به‌عنوان رهبر جدید این شبکه که براساس گزارش وزارت امور خارجه امریکا در ایران به سر می‌برد، همه مصداق این ادعا است.

ایران ممکن از شبکه القاعده در آینده در بخش‌های ذیل استفاده ابزاری کند:

- استفاده از نفوذ القاعده در میان طالبان برای تامین و تقویت روابطش با طالبان.

- جلب و جذب گروه‌های تروریستی مانند داعش که دارای عین ایدئولوژی و تفکر بنیادگرایی با شبکه القاعده است. با این عمل ایران می‌خواهد با یک تیر دو نشان بزند؛ یعنی هم داعش به‌عنوان دشمن اصلی‌اش را تضعیف و در شبکه القاعده منحل کند و هم القاعده را به‌عنوان یک متحدش تقویت نماید.

- به تاریخ ۲۹ جنوری سال جاری اسرائیل در یکی از مجتمعات نظامی ایران در اصفهان حمله پهپادی کرد. متعاقب آن مقام‌های ایرانی هشدار دادند که دست به اقدامات تلافی‌جویانه خواهند زد.

در این اواخر تهدیدات بی‌سابقه اسرائیل متوجه ایران است، طوری که اسرائیل ایران را متهم به غنی‌سازی ۸۴ درصدی یورانیوم کرده است و مقام‌های نظامی آن کشور هشدار داده‌اند که اگر این غنی‌سازی به ۹۰ درصد افزایش بیاید، اسرائیل بالای تأسیسات هسته‌ای ایران حمله نظامی خواهد کرد. روی این ملحوظ، ایران شاید می‌خواهد با نزدیکی به شبکه‌های تروریستی مانند القاعده، دشمنان مشترکش به‌ویژه اسرائیل را توسط آنان مورد هدف قرار بدهد.

۵) نزدیکی امریکا و متحدانش به طالبان به‌عنوان تهدیدی برای منافع ایران:
ایران به هیچ‌وجه نمی‌خواهد طالبان و سایر

می‌دهند.
- هر دو نظام به زور تفنگ، با خشونت و وحشت و براساس اسلام تعبیرشده و افراطی خودشان بالای مردم دو کشور حکومت می‌کنند.

۲) تبدیل شدن داعش از یک تهدید بالقوه به یک تهدید بالفعل:

دولت ایران داعش را به‌عنوان یک تهدید جدی برای امنیت و بی‌ثباتی کشورش تلقی می‌کند، طوری که تاکنون از زمان حاکمیت دور دوم طالبان در افغانستان دو حمله مرگبار در حرم امام رضا و زیارت شاه‌چراغ که ایران آن را به داعش نسبت می‌دهد، صورت گرفته است. در نتیجه این حملات ۱۷ تن کشته و ۴۱ تن دیگر زخمی شدند. البته در نتیجه دو حمله جداگانه دیگر داعش در سال ۲۰۱۷ بر ساختمان مجلس شورای اسلامی و قبر آیت‌الله خمینی در تهران، به تعداد ۱۷ تن کشته و ۵۲ تن دیگر زخمی شدند.

ایران می‌خواهد داعش را توسط طالبان سرکوب و طرح حملات تروریستی آن گروه را در خاکش خنثا کند. گفته می‌شود تا کنون چندین حمله داعش را با همکاری با طالبان خنثا کرده است.

۳) قاچاق مواد مخدر:

یکی از نگرانی‌های جدی دیگر ایران، افزایش کشت خشخاش در ولایت‌های همجوار آن کشور در افغانستان و قاچاق مواد مخدر از مسیر آن کشور به کشورهای دیگر به‌ویژه اروپا است که تأثیرات ناگواری بر امنیت آن کشور به جا گذاشته است. البته مبارزه با قاچاق مواد مخدر برای ایران که در مسیر ترانزیت ارزان با افغانستان قرار گرفته، هزینه خیلی سنگینی را بر آن کشور تحمیل کرده است که ایران تصور می‌کند آن را با همکاری طالبان می‌تواند مهار کند.

۴) استفاده ابزاری از شبکه تروریستی القاعده:

جمهوری اسلامی ایران و شبکه القاعده هر دو امریکا را به‌عنوان دشمن مشترکشان می‌پندارند. شبکه القاعده که در سال ۱۹۸۸ توسط بن لادن تأسیس شد، معتقد است که «اتحاد مسیحی - یهودی به رهبری ایالات متحده در حال توطیه‌چینی

به تاریخ ۲۶ فبروری ۲۰۲۳ جمهوری اسلامی ایران به رغم انتقادات، خواست و اراده مردم افغانستان و جریان‌های سیاسی مخالف طالبان، رسماً سفارت افغانستان در تهران را به طالبان واگذار کرد. قبل از این تصور عام بر آن بود که فارسی‌ستیزی و شیعه‌ستیزی در افغانستان همیشه به‌عنوان خط سرخ در سیاست خارجی ایران تلقی شده و ایران هرگز در این حوزه تمدنی به متحدان قبلی‌اش پشت نخواهد کرد. در دنیای امروزی که محور اصلی سیاست خارجی کشورها را منافع ملی آنان تشکیل می‌دهد، شاید باور و تصور بعضی سیاستمداران افغانستان که طالبان و نظام جمهوری اسلامی ایران را از نگاه فکری و ایدئولوژیکی به آب و روغن تشبیه می‌کردند، زیاد درست از آب درنیامد. در این مقاله سعی می‌کنم روی دلایل تحویل‌دهی سفارت افغانستان در تهران به طالبان و تبعات چنین اقدامی بحث کنم. البته در خاتمه با یک سلسله پیشنهاداتی به اپوزیسیون طالبان که خالی از مفاد نخواهد بود، بحث را خاتمه خواهیم داد.

دلایل تسلیم‌دهی سفارت افغانستان در تهران به طالبان

۱) وجوه اشتراک جمهوری اسلامی ایران با «امارت اسلامی طالبان»:

- هر دو نظام مستبد دارای یک سیستم شدیداً متمرکز هستند که قدرت از بالا به پایین اعمال و تمام امور کشوری توسط یک رهبر اداره و تنظیم می‌شود.

- در هر دو نظام یک قوم و گوینده‌گان یک زبان خاص تمام صلاحیت‌ها و قدرت مطلقه را در دست دارند و سایر اقوام را از قدرت کنار زده و از حق و حقوق اساسی‌شان محروم کرده‌اند؛ البته چنین محرومیت‌هایی در یک کشور (افغانستان) بیشتر و در دیگری (ایران) کمتر محسوس است. به عبارت دیگر، در ایران فارس‌ها قدرت مطلقه و بی‌حدوحصر را در اختیار دارند و در افغانستان طالبان پشتون.

- هر دو نظام متهم به نقض حقوق بشر و همکاری با شبکه‌های تروریستی از جمله شبکه القاعده‌اند.

- هر دو نظام برای بقا و اعمال حاکمیت‌شان مردم سرزمین‌شان را به گروگان گرفته‌اند و هر نوع صدای عدالت‌خواهی، برابری و ضد نظام را سرکوب می‌کنند و با خشونت، شکنجه، زندان و اعدام پاسخ

گردآوری آمار دختران جوان و زنان بیوه مردم را نگران کرده است



۸ صبح، بلخ

طالبان به‌تازگی روند ثبت مشخصات باشنده‌گان محلات را در بزرگ‌شهرهای کشور آغاز کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان مجموعه این معلومات را «پاسپورت ساحه‌ای» شهر وندان نام‌گذاری کرده و برای گردآوری اطلاعات مربوط به باشنده‌گان محل، فورمه‌های ویژه‌ای را توزیع می‌کنند. یکی از مواردی که در این فورمه‌ها درج است، شمار زنان بیوه و دختران جوان در هر خانه است.

طالبان به‌تازگی روند ثبت مشخصات باشنده‌گان محلات را در بزرگ‌شهرهای کشور آغاز کرده‌اند. مسوولان محلی طالبان مجموعه این معلومات را «پاسپورت ساحه‌ای» شهر وندان نام‌گذاری کرده و برای گردآوری اطلاعات مربوط به باشنده‌گان محل، فورمه‌های ویژه‌ای را توزیع می‌کنند. یکی از مواردی که در این فورمه‌ها درج است، شمار زنان بیوه و دختران جوان در هر خانه است. ارایه این اطلاعات به نهادهای امنیتی طالبان، نگرانی باشنده‌گان بلخ را برانگیخته است. آنان می‌پرسند که شمار دختران و زنان بیوه چه ربطی به مسایل امنیتی دارد. طالبان اما می‌گویند که این اطلاعات تنها برای مسایل امنیتی است و قصد دیگری ندارند.

بی‌بی‌سیزبه ۴۱ ساله، باشنده شهر مزارشریف، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «وکیل گذر در چهار ماه تا حال سه مرتبه فورمه‌هایی با محتوای متفاوت در پشت خانه ما آورده که بعد از خانه‌پری دوباره برایش تسلیم کرده‌ایم.» بی‌بی‌سیزبه با اشاره به گزینه سوم فورمه‌ای که به‌تازگی آن را خانه‌پری کرده است، می‌افزاید: «در این فورمه در کنار درج شهرت سرپرست فامیل، پرسیده شده بود که تعداد اعضای فامیل شما چند نفر است، چند پسر و دختر دارید. تعداد زنان بیوه و غیره را پرسیده‌اند.»

عاطفه، باشنده دیگر شهر مزارشریف است که مادر سه دختر جوان و دو پسر نوجوان می‌باشد. او می‌گوید: «سرپرستی فامیل مرا شوهر خواهرم می‌کند. شوهرم پنج سال قبل در یک حادثه ترافیکی جان باخته است. به همین دلیل در یک حویلی کرایه همراه خواهرم زنده‌گی می‌کنم.» عاطفه با ابراز نگرانی از ارایه اطلاعات درباره دختران جوانش به طالبان می‌افزاید: «هرچند در فورمه‌ای که از سوی وکیل گذر برای ما تحویل داده شده بود مشخصات شوهر خواهرم درج است، اما از این‌که تعداد دختران جوان و زنان بیوه را در فورمه خواسته بودند، شب و روز نگران هستم که طالبان این اطلاعات را چه می‌کنند و چرا دختران و زنان بدون سرپرست یا زنان بیوه را به اشکال مختلف تحت فشار روحی قرار می‌دهند.»

منع اجاره خانه به خانواده‌های بدون سرپرست مرد، مشکل دیگری است که باشنده‌گان بلخ از آن شاکی‌اند. انیس‌گل (نام مستعار) زن کهن‌سالی است که در ناحیه هفتم شهر مزارشریف سکونت دارد. دو سال پیش پسرش را دزدان مسلح به قتل رساندند. او با دختر جوان، عروس و سه نواسه‌اش در یکی از نواحی دوازده‌گانه شهر مزارشریف زنده‌گی می‌کند.

انیس‌گل در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «وکیل گذر یک دفعه یک ورقه را داد که خانه‌پری کردیم. رفت و سه روز بعد دوباره ورقه را آورده که مرد و سرپرست شما کی است.» این باشنده شهر مزارشریف می‌افزاید: «در صورتی که سرپرست خانه من توسط دزدان کشته شده باشد، حالا از کجا کنم مرد را که سرپرستی خانه مرا کند تا از شر وکیل گذر خلاص شوم.»

با این حال، یکی از وکلای گذر در مزارشریف شکایت مردم را برجا می‌داند. عنایت‌الله، وکیل گذر در مزارشریف، به روزنامه ۸ صبح گفت: «ما مجبور هستیم دستور حوزه و آمر ناحیه را قبول کنیم و به مردم برسانیم. اگر اندکی در کار تاخیر شود، خود ما زیر سوال می‌رویم و در غیر آن آمر حوزه طالبان ما را تهدید به جرم هم‌دستی با گروه‌های ضد طالبانی می‌کند.»

دادمحمد (نام مستعار) یکی دیگر از وکلای گذر در شهر مزارشریف، روایت مشابه از فشار و تهدید از سوی آمران حوزه‌های امنیتی گروه طالبان دارد. او در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح گفت: «به خاطری که بالای مردم از این بیشتر فشار وارد نشود، ما خود را به دم بلا می‌دهیم. بسیاری حرف‌ها و دستوره‌های شفاهی آمر حوزه را که در جلسه‌ها به ما می‌گویند، نادیده گرفته هزار بهانه می‌آوریم تا بالای مردم فشار زیادتر نیاید.» به گفته این وکیل گذر، هر آمر حوزه و رییس ناحیه که جدید می‌آید، از خود برنامه دارد و بعداً وکلای گذر را تحت فشار قرار می‌دهد تا برنامه امنیتی آمر حوزه را عملی کنیم.

مسوولان امنیتی طالبان نیز توزیع فورمه‌های مختلف به خانه‌های رهایی را می‌پذیرند، اما استدلال می‌کنند که جمع‌آوری این اطلاعات تنها برای تامین امنیت منطقه است. محمداصف وزیری، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان در بلخ، با تایید توزیع برگه‌های شناسایی از طرف مسوولان امنیتی این گروه می‌گوید: «این کار به خاطر تامین امنیت و جلوگیری از جرم و جنایت می‌باشد که تا اندازه‌ای کارساز بوده است.»

با وجود این نگرانی اما هیچ‌یک از باشنده‌گان بلخ حاضر نیست از ارایه اطلاعات به نهادهای امنیتی زیر اداره طالبان خودداری کند؛ زیرا همه باور دارند که مخالفت با دستوره‌های طالبان می‌تواند برای آنان خطرآفرین باشد. فاروق (نام مستعار) استاد یک دانشگاه خصوصی است. او رفتار افراد طالبان با باشنده‌گان غیرنظامی مزارشریف را نامناسب توصیف می‌کند و توضیح می‌دهد که علت برخورد خشن افراد طالبان و قوانین قهری و آزاردهنده آن‌ها با مردم، بی‌تجربه‌گی رهبران این گروه است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «آمران حوزه‌ها همه ملاها و افراد غیرمسلکی هستند که فقط جنگ و کشتن را بلد هستند و بس. به مجردی که فرد متهم را به حوزه می‌آورند، زیر شلاق و شکنجه می‌گیرند؛ در حالی که روند بازداشت و بازجویی ابتدایی توسط پولیس از خود لایحه و قانون دارد.»

این همه در حالی است که طالبان محدودیت بر شهروندان را از راه‌های مختلف افزایش داده‌اند. مطالبه اطلاعات خانه‌های نظامیان پیشین، خبرنگاران، فعالان حقوق بشر و حقوق زن، خانه‌های افرادی که در بیرون از کشور زنده‌گی می‌کنند، خانه‌های کرایه و غیره از دیگر مواردی است که از وکلای گذر خواسته شده است. گردآوری این اطلاعات طیف‌های مختلف جامعه را نگران ساخته است.

فرجام تلخ فرار از طالبان؛

ماجرای غرق شدن یک نظامی پیشین با خانواده‌اش در آب‌های ایتالیا

۸ صبح، هرات

۱۵ اگست ۲۰۲۱، روزی است که نظام جمهوری افغانستان سقوط کرد و طالبان تسلط کامل ولایت‌ها و پایتخت کشور را به دست گرفتند. فرماندهان جنگی این گروه با ورود به ارگ ریاست جمهوری، مرکز نقل قدرت، حاکمیت خود را به‌عنوان رژیم جدید در افغانستان اعلام کردند. تسلط دوباره طالبان بر کشور، سایه تاریکی بر زنده‌گی شهروندان به‌ویژه نظامیان پیشین افکند. بیشتر افرادی که سابقه کار در صفوف نظامی را داشتند، یکی پس از دیگری راه‌های مهاجرت را در پیش گرفتند. آنان با استفاده از راه‌های غیرقانونی تلاش کردند هرچه زودتر افغانستان را ترک کنند تا از بازداشت و شکنجه طالبان در امان باشند. هرچند طالبان با تسلط بر پایتخت عفو عمومی اعلام کردند، اما جنگ‌جویان این گروه بارها در ولایت‌ها نظامیان پیشین را به گونه‌های متفاوت بازداشت، زندانی و شکنجه کرده‌اند. افراد طالبان شمار زیادی از نظامیان پیشین را به رگ‌بار بسته و یا به حدی آنان را در زندان‌ها شکنجه کرده‌اند که به مرگ آنان تمام شده است.

در تازه‌ترین مورد، یک قایق حامل پناهجویان در سواحل ایتالیا غرق شده است. براساس اظهارات وزارت خارجه طالبان، بیش از ۸۰ پناهجوی افغانستانی از قربانیان این رویدادند. یکی از قربانیان این حادثه مرگبار، نذیراحمد زینل، مدیر پیشین امنیت شهری ریاست امنیت ملی هرات است که با خانواده‌اش در دریای ایتالیا غرق شده است.

براساس اظهارات بسته‌گانش، جسد همسر زینل از دریا بیرون کشیده شده، اما از اجساد خودش و دو کودکش تاکنون خبری نیست. نذیراحمد زینل ۳۰ ساله دانش‌آموخته علوم سیاسی بود. او یکی از اعضای کادر ریاست امنیت ملی هرات با رتبه دگروالی بود. سابقه کار و درخشش این جوان سبب شد که او در ماه اپریل ۲۰۲۱ به‌عنوان مدیر امنیت شهری ریاست امنیت ملی هرات تعیین شود. از او به‌عنوان جوان رشید و مدیر توانا یاد می‌شد.

این نظامی جوان در ولسوالی کرخ ولایت هرات زاده شده است. مردم کرخ از رشادت این جوان بارها سخن گفته‌اند. همکاریانش نیز توضیح می‌دهند که کمتر کسی به توانایی و رشیدی این جوان دیده‌اند. او پس از سقوط نظام جمهوری برای مدت کوتاهی به‌گونه پنهانی در هرات زنده‌گی کرد و در نهایت راه مهاجرت را در پیش گرفت و به ایران رفت.

نذیراحمد پس از رسیدن به ایران خانواده‌اش را نیز به ایران خواست و زنده‌گی را در آن کشور آغاز کرد. این نظامی پیشین با استفاده از کارهای شاقه روزگارش را سپری می‌کرد و پس از مدتی عازم ترکیه شد. محمدجواد فاروقی، برادر این نظامی پیشین، می‌گوید: «خودش به ایران که رسید، خانم و اولادهای خود را هم خواست و در یکی از شهرهای ایران زنده‌گی را آغاز کرد. شش یا هفت ماه که سپری شد، گفت می‌روم ترکیه و از آن‌جا با شرایط بهتری بل خارج شده بتوانم.»

برادر این نظامی پیشین می‌افزاید که نذیراحمد پس از رسیدن به ترکیه، مدت

زیادی در آن‌جا باقی ماند و به دنبال فرصت بود تا بتواند از راه بهتری با خانواده‌اش راهی کشورهای اروپایی شود. او علاوه می‌کند که پس از هفت ماه زنده‌گی در ترکیه، تصمیم گرفت که به‌گونه قاچاقی وارد اروپا شود. او هزینه سفر را از دوستان و بسته‌گانش گردآوری کرد. نذیراحمد به خانواده‌اش گفته بود که با یک قاچاق‌بر صحبت کرده که او و خانواده‌اش را با استفاده از قایق‌های ویژه به ایتالیا می‌رساند. این نظامی پیشین روز سه‌شنبه، ۲ حوت، از ترکیه به سوی ایتالیا حرکت کرد. برادر این نظامی پیشین می‌گوید: «نذیراحمد تماس داشت و ۲ حوت که به طرف ایتالیا حرکت می‌کردند، قاچاق‌بر آدرس یک جنگل را برایش داده بود که کشتی منتظر شما است. نذیراحمد تماس همیشه‌گی داشت. وقتی در همان موقعیت رسید، گفت قاچاق‌بر او را فریب داده و هیچ خبری از کشتی VIP نیست؛ بلکه یک کشتی چوبی را برای ما فرستاده‌اند.» او اما از روی ناگزیری حاضر شده با خانواده‌اش سوار آن کشتی چوبی شود؛ زیرا به گفته خودش، چاره دیگری نداشته و در صورت برگشت به محل اقامتش در ترکیه از سوی پولیس آن کشور بازداشت می‌شد.

تماس نذیراحمد با خانواده‌اش از تاریخ ۲ حوت سال روان خورشیدی قطع شد تا این‌که خبر غرق شدن یک قایق در سواحل ایتالیا را شنیدند.

محمدجواد فاروقی اضافه می‌کند که پس از چند روز تلاش تنها جسد خانم برادرش پیدا شده و از سرنوشت نذیراحمد، مرتضا پسرش و مهرثنا دخترش تا هنوز خبری نیست. او توضیح می‌دهد: «از خود نذیراحمد و اولادهایش تا هنوز هیچ چیزی یافت نشده. فقط جسد خامش از دریا بیرون کشیده شده و تصاویر را برای ما فرستاده‌اند.»

مقام‌های ایتالیایی نیز غرق شدن قایق حامل پناهجویان را تأیید کرده و گفته‌اند که این قایق حامل ۲۰۰ پناهجو بوده است که هنگام تلاش برای نزدیک شدن به سواحل ایتالیا غرق شده است. گفته می‌شود سرنشینان آن قایق پناهجویانی از افغانستان، پاکستان، ایران، عراق و سومالیای بوده‌اند. وزارت خارجه طالبان اعلام کرده که در قایق غرق‌شده دست‌کم ۸۰ تن از پناهجویان افغانستان نیز شامل بوده‌اند که جان باختن آنان تأیید شده است.

هرچند طالبان با تسلط بر کشور عفو عموم اعلام کردند و گفتند با هیچ گروهی دشمنی ندارند، اما در یک سال و نه ماه گذشته بدون وقفه نظامیان پیشین را بازداشت و شکنجه کرده و در مواردی به قتل رسانده‌اند. در تازه‌ترین مورد، جنگ‌جویان طالبان بدرالدین حیدری مشهور به «بدو» را در ولایت پکتیکا تیرباران کردند. او در زمان جمهوریت فرمانده امنیه ولسوالی بکخیل ولایت پکتیکا بود. بدرالدین پس از سقوط نظام جمهوری به پاکستان پناه برده بود، اما به محض ورود دوباره به افغانستان، از سوی طالبان بازداشت و به پکتیکا منتقل شد. به همین شکل شماری از نظامیان پیشین کشور، افغانستان را ترک کرده‌اند و بیشتر فرماندهان و نظامی که در داخل کشور هستند، به‌گونه پنهانی زنده‌گی می‌کنند.

درنگی بر رمان «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد»

مادر دانا، برای کودکش از ارجحیت‌های جنسیتی قصه می‌کند. او خدا را پیرمردی سفیدموی می‌داند که بر گستره این جهان پهناور، حکم‌روایی دارد و چون خدا مرد است، مردان در قلمرو او ارجحیت و برتری دارند. خدا در نخست آدم و برای زدودن تنهایی او حوا را می‌آفریند. به باور این راوی، دختر به دنیا آمدن یعنی بدبختی بزرگ. مادر چنان دانا است که به راحتی قادر است خودش با ذهن خودش، هر قضاوتی را، هر دیدگاهی را، مورد سوال قرار دهد.

دنیا را به تناقضات متهم می‌کند. «می‌ترسم به این چیزها خو نگیری. در دنیایی که تو می‌خواهی پا به آن بگذاری، با وجود تمام صحبت‌هایی که درباره تغییر زمانه می‌شود، زنی را که ازدواج نکرده، بچه‌دار می‌شود، ولنکار می‌دانند. و در بهترین صورت او را فوق‌العاده و قابل تحسین می‌شمارند و قهرمان به حساب می‌آورند.» (همان)

مرد ممکن است در آفرینش جنین سهیم باشد، اما این زن است که با مشقت تمام، کودکی را به جهان تقدیم می‌کند. اگر انتخاب دست مرد باشد، به جنینی که نه از سر عشق، بل از سر لحظه‌ای غفلت دو تن بیمار شکل گرفته است، حق زیستن نمی‌دهد. به باور فالاجی، مادر بودن رنج عظیمی است که جسم و بطن زن آن را تحمل می‌کند. کودک به تسخیر جسم مادر بسنده نکرده و تا عمق روح در او نفوذ می‌کند و شیر و روح و تن مادر را می‌مکد. یک زن می‌تواند یا مادر باشد یا شاغل و می‌بایست میان این دو یکی را انتخاب کند. یک زن می‌تواند مادر باشد، اما شاغل نه. اما یک زن می‌تواند شاغل باشد اما مادر نه.

در رمان «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد» فالاجی زنی را به تصویر می‌کشد که شغل را بر به دنیا آمدن کودک، ترجیح می‌دهد؛ زیرا این مادر، انسان است و نمی‌تواند روزهای زیادی را به دلیل حامله بودن، در بستر سپری کند. او با استناد به چگونگی وضع حمل، حیوانات را برتر از انسان می‌داند؛ زیرا آنان در جریان حمل، مجبور نیستند در بستر بمانند و برای حیوانات مساله زایش، مساله طبیعی است.

کودک در بطن مادر می‌میرد و پس از آن، مادر در دادگاهی خیالی متشکل از هفت هیات منصفه (شوهر، پدر، مادر، خانم داکتر، آقای داکتر، رییس و دوست) خودش را می‌یابد. در دادگاه به جز پدر، مادر و دوست، راوی را متهم به سهل‌انگاری کرده و او را قاتل قلم‌داد می‌کند. مادر اما به این نتیجه رسیده است: «امیدوارم که به این نتیجه رسیده باشی که زاده شدن، ارزش درد کشیدن را دارد، حتا به قیمت رنج بردن و مردن. از این که توانسته‌ام تو را به قیمت رنج بردن و مردن از هیچ بیرون بکشم، احساس غرور و سربلندی می‌کنم. هوا به‌راستی سرد شده است و سقف سفید کاملاً سیاه شده. اما رسیدیم. این هم گل مگنولیا. یک گل بچین، من هرگز نتوانستم، ولی تو خواهی توانست. روی پنجه پا بلند شو و دستت را دراز کن. این جور می‌کجایی؟ تو این‌جا بودی، زیر بغلم را گرفته بودی، بزرگ بودی، یک مرد بودی. حالا دیگر نیستی. به جز یک شیشه الکل که چیزی در آن شناور است که نمی‌خواست مرد یا زن شود. چیزی وجود ندارد. می‌پرسی که من چرا باید می‌خواستم و تو چرا باید می‌خواستی. برای این که زنده‌گی وجود دارد. کوچولو با گفتن این که سرما از پیشم رفت، خواب از چشم‌هایم رفت، احساس می‌کنم که دوباره خودم شده‌ام. زنده‌گی. ببین چراغی روشن می‌شود. صدایی شنیده می‌شود. اما هزار نفر زاده می‌شوند، صد هزار بچه و مادران بچه‌های آینده: زنده‌گی نه به تو احتیاجی دارد، نه به من. تو مرده‌ای، من هم شاید بمیرم، اما اهمیتی ندارد، چرا که زنده‌گی نمی‌میرد.» (ص ۱۱۳)

کودک می‌میرد و مادر در اندوه از دست دادن فرزند کتابی به بزرگی «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد» می‌نویسد. امیدوارم این اثر فالاجی، اثری بزرگ در زنان و مادران بگذارد و پس از این پیش از به دنیا آوردن کودکی، هزار مرتبه بیندیشد که آیا زاده شدن بهتر است؟



فالاجی با مهارت تمام کودکی را که هنوز متولد نشده است، مخاطب قرار داده و قصه آفرینش را از همان ابتدا بازگو می‌کند. او با فرزندش از همه چیز قصه می‌کند؛ از زشتی‌ها، خوبی‌ها، کامیابی و ناکامی‌ها. از همان ابتدا، به کودک می‌فهماند که این دنیا تکی و مملو از خوبی‌ها نیست. در این دنیا، اگر خورشیدی طلوع می‌کند، شب هم فرا می‌رسد. شبی که ماه دارد، اما برای منور کردن مسیر آدمی، بعضاً نور مهتاب و گاه هم حتا نور خورشید کافی نیست.

حالا سوال این‌جا است که چرا کودک با به دنیا آمدن، تاوان این جرعه را بدهد؟ «راستش را بخواهی هنوز نفهمیده‌ام منظور از عشق چیست. نظر من این است که عشق حقه بزرگ و عظیمی است که به خاطر آرام کردن و سرگرم ساختن مردم اختراع شده است... من از این کلمه کذایی که در همه‌جا و به همه زبان‌ها است، متنفرم.» (صفحه ۱۶)

گذشته از دانا بودن، ویژه‌گی بارز این مادر آن است که قرار است کودکی را بدون داشتن پدر به دنیا بیاورد. او در ابتدا به خاطر به دنیا آوردن کودک، با تمام جهان، با رییس، خیاط، داکتر و دوستش می‌جنگد. او می‌جنگد تا ثابت کند که زایش ویژه‌گی فطری و امتیازی است که برای زنان داده شده است. «داروفروش که قرص‌های لوتئین را به من فروخت، مرا می‌شناخت و خوب می‌دانست که ازدواج نکرده‌ام. همین که نسخه را به او دادم، ابروها را بالا انداخت و با حیرت نگاه کرد.» (ص ۲۰)

مادر دانا عاشق نیست، سرشار از عاطفه مثبت مادری است و از روی عاطفه به کودکش نگاه می‌کند. مادر معتقد است که تغییر زمانه حرف روی بیخ است، زیرا با وجود پیشرفت جوامع، بشر هنوز با شک و حقارت به زنی که ازدواج نکرده، اما فرزند به دنیا می‌آورد، می‌نگرد. مادر به این بسنده نکرده و باز

اگر پسر باشی، دلم می‌خواهد آن مردی باشی که من همیشه در رویاهایم به دنبالش می‌گردم: با ضعفا ملایم، با زورگوها خشن، با آن‌ها که دوست‌شان دارند مهربان و با سلطه‌جویان بی‌رحم.» (۱۲-۱۳)

مادر دانا چنین برای کودکی که هنوز زاده نشده، حق انتخاب و آزادی می‌دهد که می‌خواهد پسر به دنیا آید یا دختر. به باور نویسنده، دنیا همین است، مملو از تضادهای چندوجهی. مملو از قضاوت‌ها، نابرابری‌ها و یکه‌تازی‌ها. برای این که زنده بمانی، باید زیر دستانت را با تکیه بر کرسی خشونت، مورد حمله قرار دهی.

فالاجی در این اثر، بود و نبود هستی را زیر سوال برده و معتقد است که محیط تاریک بطن مادران به مراتب بهتر از به دنیا آمدن کودکان است. در دنیایی که زنی برای چیدن گل مگنولیا باید کشته شود، در دنیایی که باران چاکلیت بالای آنانی می‌بارد که نیازی به چاکلیت ندارند، در دنیایی که امید برای آمدن فردای بهتر توهمی بیش نیست، در دنیایی که زمستان فصل سرگرمی برای پول‌داران و فصل بدبختی برای فقرا است، بهتر است زاده نشوی. گذشته از این، مادر دانا شکل گرفتن جنین را حاصل اشتباه دو موجودی می‌داند که برای زدودن تنهایی به هم رسیده و جنین حاصل جرعه لحظه غفلت دو تن بیمار است، نه عشق.

من مادر نیستم، برای همین شاید مشکل باشد که در مورد تجربه مادر بودن و زایش چیزی بنویسم. بگذارید از این‌جا شروع کنم که به نظر شما تجربه مادر بودن نعمت است، مکلفیت و یا مسوولیتی که طبیعت به گردن زنان نهاده است؟

می‌دانم پرسش‌های دشواری است و من خود نیز پاسخی برای آن‌ها ندارم. فقط می‌دانم در این دنیای مملو از بی‌عدالتی، چیزهایی هستند که جاری‌اند و هیچ کسی منشأ این جریان را نمی‌داند.

اورینا فالاجی، نویسنده ایتالیایی، در شاهکار ادبی‌اش «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد» دغدغه‌های مادری را به تصویر می‌کشد که به شدت آگاه است و مسوولیت‌پذیر. او مادری را به تصویر می‌کشد که خلاف سایر مادران این جهان، می‌داند که آفرینشگر است و قرار است مخلوقی را به این دنیای مملو از بی‌عدالتی، تقدیم کند. مادر گاهی نگران است، گاهی خوش‌بین، گاهی بدخلق، گاهی مصمم به زایش فرزندی که در بطن دارد و گاهی هم مردد. این تردید و حواس‌پرتی مادر، ناشی از آگاهی و دانایی او است. اگر او مادری ناآگاه بود، بدون طرح هیچ پرسشی، فرزندی به این جهان تحویل می‌داد و از نعمت مادر بودن به‌خوبی بهره‌مند می‌شد. در «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد» مشکل کار این‌جا است که خواننده با مادری به‌شدت آگاه و دانا روبه‌روست؛ مادری که در مورد چگونگی آفرینش جهان می‌داند. او می‌داند که جهان در نتیجه تضاد یاخته‌ها آفریده شده است و فرزندی که در بطن دارد، نیز یاخته‌ای است که بعدها به یاخته‌های بیش و بیشتر تقسیم می‌شود.

فالاجی با مهارت تمام کودکی را که هنوز متولد نشده است، مخاطب قرار داده و قصه آفرینش را از همان ابتدا بازگو می‌کند. او با فرزندش از همه چیز قصه می‌کند؛ از زشتی‌ها، خوبی‌ها، کامیابی و ناکامی‌ها. از همان ابتدا، به کودک می‌فهماند که این دنیا تکی و مملو از خوبی‌ها نیست. در این دنیا، اگر خورشیدی طلوع می‌کند، شب هم فرا می‌رسد. شبی که ماه دارد، اما برای منور کردن مسیر آدمی، بعضاً نور مهتاب و گاه هم حتا نور خورشید کافی نیست.

مادر دانا، برای کودکش از ارجحیت‌های جنسیتی قصه می‌کند. او خدا را پیرمردی سفیدموی می‌داند که بر گستره این جهان پهناور، حکم‌روایی دارد و چون خدا مرد است، مردان در قلمرو او ارجحیت و برتری دارند. خدا در نخست آدم و برای زدودن تنهایی او حوا را می‌آفریند. به باور این راوی، دختر به دنیا آمدن یعنی بدبختی بزرگ. مادر چنان دانا است که به راحتی قادر است خودش با ذهن خودش، هر قضاوتی را، هر دیدگاهی را، مورد سوال قرار دهد. او با آن که دنیا را مردانه و زنان را در اختیار مردان می‌داند، از جهتی ارجحیت ساخته‌گی مردان را نیز مورد سوال قرار می‌دهد و با مخاطب قرار دادن کودکی که هنوز جنسیتش معلوم نیست، در مانده‌گی مردان را نیز به رخ‌شان کشیده و بیان می‌دارد: «البته اگر پسر باشی، باید بنده‌گی‌ها و بی‌عدالتی‌های دیگری را تحمل کنی. فکر نکن زنده‌گی برای مرد، هم خیلی آسان است. اگر نیرومند باشی، مسوولیت‌های سنگین و مستبدانه به گردنت می‌گذارند. چون ریش داری، اگر گریه کنی یا محبت بطلبی هم، به تو خواهند خندید. به تو حکم خواهند کرد که در جنگ آدم بکشی یا کشته شوی. چه بخواهی چه نخواهی مجبور می‌کنند که در بی‌عدالتی‌های عصر حجر سهیم و شریک‌شان باشی. با این‌همه، شاید برای همین‌ها، مرد بودن ماجرای قابل تحسینی است.



چرا ایران سفارت...

از صفحه ۴



خود آوردند. اتحاد و دوستی با این تروریستان، بازی با آتش است که سودی به هیچ کشوری به بار نخواهد آورد. پس «چرا عاقل کند کاری که بار آرد پشیمانی».

در خاتمه به عنوان یک جمع بندی باید متذکر شد که کشورها در سیاست خارجی شان فقط و فقط دنبال منافع ملی از قبل تعریف شده شان هستند و در عرصه روابط بین الملل هرگز دوست و دشمن دائمی وجود ندارد. آنانی که هنوز هم در گذشته زنده گی می کنند و بینش روشنی از اوضاع و بازی های بزرگ سیاسی کشورهای منطقه و نظم نوین جهانی ندارند، اصلا سر از قضایای بغرنج سیاسی و استخباراتی کشورها در نمی آورند. روی همین ملحوظ است که آنان مدام قربانی سیاست های کوتاه مدت و طویل المدت استخبارات منطقه و جهان می شوند و در عین زمان با تحلیل ها و تصمیم نادرست شان ذهنیت یک قشر و توده عظیم از دوستان شان را به انحراف کشانیده و آنان را به صورت ناخواسته قربانی اشتباهات جبران ناپذیر خود می سازند. باید این فراست و نبوغ سیاسی را از احمد شاه مسعود فرا گرفت که در یک برهه زمانی کشور ایران را «منافق، ضعیف و دودل» خطاب کرده است، اما در یک مقطع دیگر دوست و متحد استراتژیک. باید جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود با سایر گروه های اپوزیسیون که منافع ملی کشور را به منافع گروهی و شخصی شان ترجیح می دهند، در اتحاد و همدلی یک دولت در تبعید را تشکیل بدهند. آن ها نظامی را که خواست اکثریت مردم این سرزمین است و همانا نظام دموکراتیک و غیرمتمرکز فدرالی است، تعیین کنند. ضمناً قانون اساسی کشور را توسط یک پارلمان در تبعید به تصویب برسانند تا برای هیچ کشوری بهانه نبود بدلی برای نظام طالبانی نباشد. ضمناً کشورهای منطقه و دنیا برای حفظ و تامین منافع شان به ناچار سراغ طالبان و سایر شبکه های تروریستی نروند و با آنان تعامل نکنند.

و گروه های سیاسی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران شده و تبعات خیلی ناگواری را در روابط دو کشور در آینده از خود به جا خواهد گذاشت. ایران باید این مساله را درک کند که این همه تروریست فاشیست طالب، یک گروه زن ستیز، فارسی ستیز، شیعه ستیز، کتاب سوز و دشمن و سرکوبگر صدای عدالت خواهی، برابری، تکررگری و اقوام غیرپشتون، به ویژه فارسی زبانان، در افغانستان هستند. باید به خاطر داشت که ذهنیت اکثریت مطلق مردم افغانستان علیه طالبان است. دیر یا زود این نظام از هم خواهد پاشید و کاملاً مضمحل خواهد شد. ایران نباید دنباله رو سیاست های متحدان استراتژیکش در منطقه باشد؛ چون این تروریستان همان طوری که به افغانستان آمده اند، به زودی از این کشور خواهند رفت؛ ولی این دو ملت باهم برادر، هم زبان، هم فرهنگ و هم مذهب برای همیشه در کنار هم خواهند زیست.

همان طوری که شبکه القاعده به امریکا و طالبان به پاکستان وفا نکردند، آنان هرگز به ایران هم وفادار و متحد باقی نخواهند ماند. ایران با نزدیکی با القاعده و طالبان، همان بلایی را سر خود خواهد آورد که طالبان ۲۲ سال پیش سر

۸) نبود یک اپوزیسیون قوی به عنوان یک راه بدیل:

یکی از دلایل واگذاری سفارت افغانستان و ایجاد روابط دیپلماتیک با طالبان شاید نبود یک اپوزیسیون قوی، متحد و کارا در برابر طالبان باشد که ایران بتواند به عنوان بدیلی برای حفظ منافع خودش در افغانستان روی آن حساب کند.

تبعات تحویل دهی سفارت افغانستان در ایران به طالبان

پیامد و عواقب این واگذاری هم برای مهاجران افغانستانی در ایران و هم برای خود ایران در درازمدت ناگوار و سنگین خواهد بود. همین اکنون در حدود پنج تا شش میلیون مهاجر افغانستانی در ایران مسکن گزین شده اند که در حدود بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تن آنان را نیروهای امنیتی نظام قبلی تشکیل می دهند. این افغانستانی ها همه از ظلم و وحشت طالبان به ایران پناه برده اند. با تسلیمی سفارت خانه افغانستان در تهران به طالبان، مشکلات آنان چندین برابر خواهد شد؛ چون آنان به ویژه نیروهای امنیتی و مخالفان سیاسی طالبان هرگز اعتماد نخواهند کرد که برای اجرای کارهای شان به سفارت افغانستان در تهران مراجعه کنند. در صورت افشای هویت آنان، خطرات جدی و حیاتی را متوجه آنان خواهد ساخت. از سویی هم، طالبان در عوض عرضه خدمات به مهاجران افغانستانی، این دستگاه دیپلماسی را به یک دستگاه استخباراتی و جاسوسی و تشریک مساعی با شبکه های تروریستی از قبیل شبکه القاعده تبدیل خواهند کرد.

با آن چه تا کنون گفته آمدیم، چنین برمی آید که ایرانی ها فکر می کنند با توجه به مشترکات شان با طالبان، شاید در آینده بتوانند با هم دیگر در یک مسیر مشترک کار کنند. این خود یک اشتباه محض است؛ چون در آن مدارسی که طالبان و سایر شبکه های تروریستی مانند داعش و القاعده درس های شان را فرا گرفته اند، به آنان یاد داده شده است که کشتن شیعه ها مباح و شیعه بدتر از یک کافر است. آنان (طالبان، القاعده، داعش و سایر شبکه های تروریستی مکتب دیوبندی و سلفی) با تمام تاروپودشان به این اندیشه باورمند هستند و ایدئولوژی آنان با مکتب شیعه افراطی ایران هرگز آشتی پذیر نخواهد بود. البته نه تنها از نگاه ایدئولوژی، بلکه از نگاه زبانی و حوزه تمدنی فرهنگ فارسی نیز با ایران سر سازش نخواهند داشت.

ایران باید در سیاست های غیرمنطقی و غیرعقلانی اش در قسمت اتحاد با تروریسم جهانی علیه بشریت تجدید نظر کند. در غیر آن، این مساله باعث نفرت و انزجار مردم افغانستان

تیراندازی در فروشگاه خانواده همسر مسی؛ تفنگ داران با نوشتن نامه های مسی را تهدید کردند

رسانه های ورزشی گزارش داده اند که دو تفنگ دار پس از حمله بر مغازه خانواده آنتونلا روکوزو، همسر لیونل مسی، در نامه های مسی را تهدید کرده اند. اسکای اسپورت ناوقت پنجشنبه شب، ۲ مارچ، گزارش داده است که این رویداد در شهر روزاریو، در استان سانتافه آرژانتین رخ داده است. نظر به گزارش، در این نامه تفنگ داران ناشناس به مسی گفته اند: «ما منتظر هستیم». در این رویداد به هیچ کسی آسیب نرسیده و انگیزه آن نیز هنوز مشخص نیست. لیونل مسی نیز تاکنون درباره این رویداد چیزی نگفته است.

لیونل مسی، کاپتان تیم ملی آرژانتین و بازیکن باشگاه پاری سن ژرمن، دو روز پیش از سوی فیفا به عنوان بهترین بازیکن سال ۲۰۲۲ انتخاب شد. مسی پیش از این نیز با قهرمانی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر با جام قهرمانی به آرژانتین رفت و شهروندان این کشور با استقبال گرم از این بازیکن پذیرایی کردند.



هدر بار: نقض حقوق زنان توسط طالبان، «زن ستیزان» را در سراسر جهان جسارت بخشیده است

توییتهای نگاشته است که هدف مشترک آنان تحمیل «آپارتاید جنسیتی» است. هدر بار از کشور مشخصی نام نبرده است، اما در روزهای اخیر مسمومیت دانش آموزان مکتب در ایران افزایش پیدا کرده است.

در آخرین مورد گزارش ها حاکی از آن است که دانش آموزان ۲۶ مکتب در تهران، اردبیل، کرمانشاه، اصفهان، شاهین شهر، پردیس و فردیس ایران دچار مسمومیت شده اند.

لازم به ذکر است که در ماه میزان سال روان ۸۰ درصد از دانشجویان افغانستان توسط طالبان «زن ستیزان» را در سراسر جهان جسارت و الهام بخشیده است.

هدر بار روز پنجشنبه، ۱۱ حوت، با نشر



۸صبح، کابل: هدر بار، مسوول بخش زنان دیده بان حقوق بشر گفته است که نقض و تخریب حقوق زنان و دختران در افغانستان توسط طالبان «زن ستیزان» را در سراسر جهان جسارت و الهام بخشیده است.

هدر بار روز پنجشنبه، ۱۱ حوت، با نشر

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹۹

صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸صبح است.
سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

۸صبح
روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سردبیر: حبیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

در پی تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین، آنتونیو گوتریش، دبیرکل سازمان ملل متحد، گفته است که یک میلیون گونه حیوانی با خطر انقراض مواجه هستند. گوتریش روز جمعه، ۳ مارچ، در توییته به مناسبت روز جهانی حیات وحش، این پیشامد را ناشی از کارهای انسان‌ها دانسته است. گوتریش افزوده است: «ما ابزار و دانش لازم برای پایان دادن به این جنگ با طبیعت را داریم.» او همچنان از همه خواسته تا سهم خود را برای حفظ زیستگاه‌های طبیعی و ساختن آینده‌ای پربرونق برای همه موجودات زنده انجام دهند. با این حال، گفتنی است که طی سال‌های اخیر ده‌ها نوع حیوانات در سراسر جهان منقرض شده‌اند.

واشنگتن و سئول در ماه جاری یک رزمایش نظامی بزرگ برگزار می‌کنند

مقام‌های نظامی امریکا و کوریای جنوبی اعلام کرده‌اند که در پاسخ به تهدیدات نظامی کوریای شمالی، ماه جاری رزمایش نظامی بزرگ ده‌روزه برگزار خواهند کرد.

مقام‌های ارتش دو کشور از برنامه رزمایش‌های بزرگ نظامی خود روز جمعه، ۳ مارچ، در یک نشست خبری اطلاع داده‌اند.

این رزمایش «سپر آزادی» نام دارد و از ۱۳ تا ۲۳ مارچ ادامه خواهد داشت.

هدف از برگزاری این رزمایش نظامی، تقویت موضع دفاعی ترکیبی متحدان و قابلیت‌های دفاعی در برابر تغییر محیط امنیتی و تهاجم کوریای شمالی عنوان شده است.

در همین حال، کوریای شمالی برگزاری رزمایش‌های مشترک را دلیلی برای اقدام خصمانه و تلاش برای تغییر رژیم کوریای شمالی خوانده است.

برگزاری رزمایش‌های نظامی میان واشنگتن و سئول در حالی افزایش یافته است که دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین امریکا، برای تسهیل گفت‌وگو با کوریای شمالی این اقدام را در سال ۲۰۱۷ متوقف کرده بود.

گفتنی است که پیش از این نیز کوریای جنوبی و امریکا رزمایش‌های مشابه در واکنش به آزمایش‌های موشکی از سوی پیونگ‌یانگ انجام داده بودند.



کشته شدن دو غیرنظامی در جنوب روسیه؛ مسکو اقدامات پیش‌گیرانه را افزایش می‌دهد

به دنبال کشته شدن دو غیرنظامی در جنوب روسیه، کرملین اعلام کرده است که اقدامات پیش‌گیرانه را برای جلوگیری از تهاجمات فرامرزی، افزایش می‌دهد.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی رییس جمهور روسیه، روز جمعه، ۳ مارچ، به رسانه‌ها گفته است که جلسه شورای امنیت ملی این کشور در همین مورد به ریاست ولادیمیر پوتین برگزار خواهد شد.

انتظار می‌رود در این جلسه اقدامات پیش‌گیرانه برای جلوگیری از تهاجمات فرامرزی به جان شهروندان روسیه به بررسی گرفته شود.

روز گذشته مسکو مدعی شد که «ناسیونالیست‌های اوکراینی» پس از ورود به منطقه بریانسک در جنوب روسیه، بر دو غیرنظامی تیراندازی کرده‌اند.

کی‌فا با رد ادعای مسکو آن را تحریک عمدی خوانده است.

ظاهراً به جان نظامیان و غیرنظامیان در داخل مرزهای روسیه آغاز شده است. پیش از این، الکساندر خینشتاین، قانون‌گذار روسی، از زخمی شدن چهار عضو گارد روسیه در پی برخورد موتر حامل‌شان با ماین در منطقه بریانسک، خبر داده بود.



انتخابات ریاست جمهوری ترکیه؛ کیلیچدار اوغلو رقیب اردوغان شد

ایتلاف‌کننده پاسخ رد داده و همزمان شهردارهای استانبول و انقره را به‌عنوان نامزد پیشنهاد می‌کند. او در حالی که نامزدی افراد مورد نظرش نهایی نیست، مدعی شده که افراد پیشنهادی حزبی با اختلاف بسیار زیاد، رجب طیب اردوغان را شکست خواهند داد.

تحرك احزاب سیاسی در ترکیه برای اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری این کشور یک روز پس از اعلام تاریخ برگزاری انتخاب از سوی رییس جمهور ترکیه صورت گرفته است. رجب طیب اردوغان روز گذشته گفت که انتخابات این کشور در ۲۴ می سال جاری میلادی برگزار خواهد شد.

در حالی که ترکیه تا دو ماه دیگر شاهد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود، نادر کمال کیلیچدار اوغلو به‌عنوان نماینده اپوزیسیون وارد کارزار رقابت انتخاباتی شده است.

رویترز گزارش داده که نادر کمال کیلیچدار اوغلو روز جمعه، ۳ مارچ، پس از خارج شدن حزبی از تحریم‌ها، نامزدی‌اش را اعلام کرده است.

مرال آکشنر، رهبر حزب راست‌گرای ترکیه، در سخنانی در مقر این حزب گفته است که کیلیچدار اوغلو، نامزد مورد نظر پنج حزبی است که باهم ایتلاف کرده‌اند. آقای آکشنر گفته است که حزبی به‌عنوان دومین جریان سیاسی در ترکیه به درخواست احزاب

دیدهبان حقوق بشر:

مقام‌های ایرانی تحقیق بی‌طرفانه در مورد مسمومیت دانش‌آموزان دختر را آغاز کنند



که طی سه ماه گذشته، صدها دانش‌آموز دختر در حداقل ۵۸ مکتب در ۱۰ ولایت ایران مسموم شده‌اند.

در ادامه این مسمومیت‌های مرموز، یونس پناهی، معاون وزیر صحت ایران که بعدها اظهاراتش را اصلاح کرد، گفت: «پس از مسمومیت‌های مکرر دانش‌آموزان در مکتب قم، مشخص شد که عده‌ای خواستار تعطیلی همه مکتب، به‌ویژه مکتب دخترانه هستند.»

شماری از فرهنگیان ایران این رویدادهای پی‌هم را استفاده از شیوه‌های طالبانی برای سرکوب زنان و دختران عنوان کرده‌اند.

با این حال، تاکنون نتایج تحقیق در این مورد از سوی دولت ایران همه‌گانی نشده است.

گفتنی است که در پی بروز اعتراضات در دانشگاه‌های افغانستان علیه ممنوعیت آموزش و کار دختران، در چندین مورد دانش‌جویان دختر در خوابگاه‌های دخترانه نیز مسموم شده بودند.

پس از نشر گزارش‌ها در مورد مسمومیت دانش‌آموزان دست‌کم ۵۸ مکتب در ایران، دیدهبان حقوق بشر گفته است که این رویدادها باید به‌گونه جدی بررسی شود.

دیدهبان حقوق بشر روز پنج‌شنبه، ۲ مارچ، در بیانیه‌ای گفته است که دولت ایران باید امنیت جان دانش‌آموزان دختر را تضمین کند.

دیدهبان افزوده است: «مقامات ایرانی باید تحقیقات سریع، شفاف و بی‌طرفانه در مورد این مسمومیت‌های گزارش‌شده دختران در مکتب ایران را آغاز کنند و عاملان آن را به دست عدالت بسپارند و امنیت همه دانش‌آموزان را تضمین کنند.»

این نهاد همچنان حکومت ایران را به نادیده گرفتن حقوق اولیه شهروندان ایرانی به ویژه زنان و دختران، متهم می‌کند و می‌افزاید که با این وجود، دلیل چندانی برای امیدواری به تحقیقات واقعی و انجام اقدامات مقتضی باقی نمی‌ماند.

خبرگزاری اعتماد ایران در اول مارچ گزارش داد

مک‌کال: دولت بایدن تحریم‌های بیشتری بر مقام‌های طالبان وضع کند

۸ صبح، کابل: در ادامه وضع محدودیت‌های شدید علیه زنان و دختران توسط طالبان، به تازه‌گی مایکل مک‌کال، رییس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا، از سیاست و عملکرد متفعل دولت بایدن در برابر این گروه به‌شدت انتقاد کرده است.

مک‌کال در نامه‌ای به آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا، روز جمعه، ۱۲ حوت، نوشته است که دولت بایدن در برابر رفتار «غیرانسانی» و «وحشتناک» طالبان علیه زنان و دختران و حذف آنان از جامعه افغانستان خاموشی اختیار کرده است.

مک‌کال در این نامه گفته است: «با وجود وعده بایدن برای پاسخگو کردن طالبان، محدودیت صدور ویزا برای مقام‌های طالبان تنها پاسخ دولت به رفتار وحشتناک طالبان با زنان و دختران بوده است؛ از دولت می‌خواهم گام‌های مهم‌تری برای پاسخ به رفتار غیرانسانی طالبان با زنان و دختران بردارد.»

او در این نامه خواسته است تا تحریم‌های بیشتری بر طالبان وضع شود.

رییس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا، همچنان تصریح کرده است که زنان و دختران در افغانستان از تحصیل، کار، خدمات صحتی و کمک‌های بشردوستانه محروم و مجبور به ازدواج اجباری شده‌اند.

به گفته مک‌کال، مدافعان حقوق زنان در افغانستان توسط طالبان تعقیب، زندانی و کشته می‌شوند. با این حال او افزوده است: «من از واکنش خاموش دولت به حذف زنان و دختران افغان از جامعه توسط طالبان نگران هستم.»

گفتنی است که در حال حاضر هشت مقام طالبان از ورود به امریکا منع شده‌اند؛ در حالی که به گفته این مقام امریکایی در اکتوبر ۲۰۲۲ وزارت امور خارجه بر بیش از ۵۰۰ تن از مقام‌های نیکاراگوئه که مانع تحقق دموکراسی بودند، محدودیت سفر وضع کرد.

طالبان تاکنون در مورد این نامه رییس مجلس نمایندگان امریکا به وزیر امور خارجه این کشور، چیزی نگفته‌اند.

گروه طالبان طی سه ماه گذشته تحصیل و کار زنان را ممنوع اعلام کرد و درب مکتب دخترانه از نزدیک به دو سال به این سو همچنان بسته است.

گفتنی است که امریکا و طالبان بارها یکدیگرشان را به نقض توافق‌نامه دوحه متهم کرده است.

به تازه‌گی مقام‌های طالبان در سه‌ساله‌گی این توافق‌نامه گفتند که امریکا مانع تعامل کشورها با رژیم‌شان می‌شود.

